

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً

مِنْ لَيْسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چی (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

اگست 2023

محرم / صفر

شماره سه صد و یازدهم

داشته باشد، مثل: علم داشتن به قرآن کریم، به سنت نبوی، عالم به اختلاف نظر علماء، عالم به اصول فقه و قیاس، عالم به زبان عربی و مسائل فقهی، معرفت احوال مردم. در مقدمه شروط ذکر شده ثقافت دعوت کننده می آید. دعوتگر باید از ثقافت های متعدد یک مقدار داشته باشد بطور مثال:

الف: ثقافت دینی

در این مورد از علامه القرضاوی کتابی است بنام «ثقافة الداعية» مطالعه آن برای هر دعوتگر ضرورت است. در این کتاب آمده که دعوت کننده به انواع ثقافت ها باید آشنا باشد مانند: ثقافت دینی یعنی تا اندازه ای معرفت به تفسیر و علوم قرآن کریم، معرفت به حدیث و علوم حدیث، تا اندازه به فقه و اصول فقه، معرفت به عقیده و اصول عقیده، تا اندازه معرفت به سیرت نبوی صلی الله علیه و سلم.

ب: ثقافت زبان و ادبیات

معرفت داشتن به زبان عربی و ادبیات عربی، اگر دعوتگر معرفت جزئی به زبان عربی نداشته باشد اشتباه زیاد می کند. همچنان معرفت به ادبیات مردم که آنها را دعوت میکند و زبان مردم را باید بداند.

شروط دعوت

دعوت دو مرحله دارد:

اول: دعوت عام: دعوت عام وظیفه هر مسلمان است. الله متعال به رسول صلی الله علیه وسلم می گوید: «قل هذه سبيلي أدعو إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعني» (یوسف: 108). بگو این است راه من که من و هرکس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم. از آیه مبارکه این مفهوم را استنباط کرده می توانیم که هر شخص که رسول الله را متابعت میکند، دعوتگر بسوی الله میباشد، البته دعوت با بصیرت و به درجه قدرت و سویه و درجه علمی شخص، دعوت به کلمه ای طیبه یعنی به روش نیکو و اخلاق کریم، حسن معاشرت با مردم، دادن کتاب برای مطالعه، دعوت برای اشتراک در کنفرانس ها و حضور به مسجد برای نماز و استماع خطبه و غیره در این نوع دعوت هر مسلمان حق مشارکت را دارد.

دوم: دعوت خاص: در این نوع دعوت اشخاصی حق دارند که اهلیت آنها داشته باشند و از طریق خطبه جمعه، کنفرانس ها، اشتراک در جمعیت های فرهنگی، نوشتن مقاله، تألیف کتب، تدریس در مساجد. اشخاصیکه در ساحه دعوت خاص مشغول دعوت میباشد، شروط که یگ مجتهد برای اجتهاد دارد باید

شروط دعوت /**ج: ثقافت انسانی**

ثقافت انسانی یعنی یک اندازه ثقافت به علوم انسانی مانند : علم نفس ، علم اجتماع و تربیه که ارتباط به زندگی انسان و وضعیت جامعه دارد داشته باشد . علوم انسانی را از منظور اسلامی و فلسفه اسلامی بدانند نه از ثقافت غربی .

د: ثقافت علمی

دعوتگر قدری از ثقافت علمی داشته باشد باین معنی که قدری از علوم ساینس و ریاضیات و بیولوژی و کیمیا و فزیک و علم فلک را بداند تا با محیط زیست و کائنات آشنا باشد.

ر: ثقافت واقعیت

باین معنی که دعوتگران به واقعیت های جامعه اطلاع داشته باشند و مسائل کوچک و بزرگ را به اساس واقعیت های عینی به عدالت حل نمایند.

ز: دعوتگر به آنچه دعوت میکند باید مؤمن باشد:

دعوتگر به آنچه مردم را دعوت میکند ایمان کامل به آن داشته باشد . اهل باطل به آنچه دعوت میکنند به آن ایمان کامل دارند و حاضر اند در راه آن جان و مال خود را قربانی نمایند و حاضر اند در راه دعوت باطل زندان را قبول کنند . اهل ایمان و دعوتگران مؤمن نیز حاضر به هر نوع قربانی در سبیل آنچه دعوت می کنند باشند .

ط: دعوتگر قدوه و نمونه به آنچه دعوت میکند باشد:

اخلاق دعوتگر باید قرآن کریم باشد . أم المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها میگوید: اخلاق محمد قرآن بود . اگر دعوتگر به آنچه دعوت میکند خودش به آن پایند نباشد ، مردم دعوت او را نمی پذیرند . أم المؤمنین اخلاق اولین دعوتگر در اسلام یعنی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بهترین توصیف نمودند و فرمودند که اخلاق محمد قرآن بود و اضافه کرد که محمد قرآن زنده

بود که در جامعه حرکت داشت . دعوتگر نه تنها به اساس قرآن زندگی و حرکت داشته باشد بلکه با قرآن کریم از روش و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز پیروی نماید .

ظ: دعوتگر هر قوم را به زبان خود قوم دعوت کند:

لازم است دعوتگر هر قوم را به بزبان خود قوم دعوت کند ، خداوند می فرماید: « و ما ارسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین لهم » (ابراهیم: 4) . هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش ، تا (بتواند پیام خدا را) برای مردم بیان کند .

معنی لسان قوم این نیست که عرب را به زبان عربی و فرانسوی را بزبان فرانسوی و المانی را به زبان المانی مخاطب سازد . دعوتگر در بین خواص به زبان خواص و در بین اعوام بزبان اعوام و با مردم قریه به زبان اهل قریه و با مردم شهر بزبان شهری ها و با مردم اروپا به زبان مردم اروپا دعوت کند .

معنی زبان قوم ؟ زبان تعبیر از عقلیت انسان است نه از زبان گفتاری ، هر قوم برای خود زبان دارد مثلیکه امام شافعی می گوید: لسان یونانی غیر زبان ما است باین معنی که عقلیت شان غیر عقلیت ما است و روش تفکر شان غیر روش تفکر ما است . پس داخل شدن به عقل های شان بغیر از داخل شدن به عقل های ما است . بعض مردم ضرورت به حریت و عدالت اجتماعی دارند و عده دعوت به آنها ندارند زیرا حریت و عدالت در بین شان است ، اما ضرورت به مسائل روحی دارند و ضرورت به ایمان به خداوند و آخرت دارند .

دعوتگر باید بداند ، مردمی را که دعوت میکند احتیاج و ضرورت به چه دارند ، بعض دعوتگران که به امریکا می روند بالای قبرها و زیارت ها و اولیاء حمله میکنند در حالیکه در امریکا زیارتگاه و قبر

شروط دعوت /

دعوت به اداء سنتها نمود. نسبت به روزه، بعد از اینکه فرض رمضان بصورت صحیح اداء شد، در مورد روزه عرفات و ده ذی الحجه، عاشورا، شش روز شوال و روز دوشنبه و پنجشنبه در هر هفته با جدید اسلام بحث کرد.

به همین ترتیب در مورد زکات، باید در آغاز به زکات فرض دعوت کرد و بعداً در مورد صدقات دیگر دعوت نمود.

در مورد منع گناهان کبیره مسلمان جدید را آشنا و منع کرد و شبهات را به آینده گذاشت.

سایت القرضای**« مطالعات شرق شناسی و خاور شناسان »**

عده از مؤرخین باین عقیده اند که تاریخ شرق شناسی از عصر جنگهای صلیبی آغاز میشود. مؤرخین معاصر باین نظر موافق نیستند و عقیده برین دارند که حرکت استشراق یعنی شرق شناسی در بعضی کشور های اروپا از قرن سیزدهم میلادی آغاز می شود. استشراق در آغاز یک عمل فردی و برای هدف بسیار محدود و کوچک بود. استشراق در اروپا بعد از عصر اصلاح دینی در دنمارک و هالند شکل منظم را برای رسیدن به اهداف مهم دینی و سیاسی و اقتصادی گرفت. (مجله المجمع العلمی العربی مجله سوم سال 1923 و چهارم سال 1924).

با اینکه استشراق و تبشیری یعنی تبلیغ و نشر عیسویت در اصطلاح دینی و سیاسی و معنی لغوی با هم متفاوت است لیکن در نتیجه با هم متحد میباشند باین معنی که تبشیر در نهایت امر استشراق و استشراق تبشیر است و هر دو ثمره و حاصل فرهنگ و ثقافت و روش تفکر غرب میباشند.

اولیاء وجود ندارد، پس دعوتگر بداند که کدام مردم را دعوت میکند و مخاطب او چه کسانی اند.

دعوت شنوندگان نیز یک نوع نیستند، دعوتگر در وقت دعوت باید تفاوت بین شنوندگان را در دعوت درک کند. دعوت کردن مسلمان غیر دعوت کردن غیر مسلمان است، دعوت کردن مسلمان پایبند به دین، غیر از دعوت غیر پایبند به دین است، دعوت گناهکار غیر از دعوت منافق است. اگر دعوت شنونده ایمان قوی دارد احتیاج به عزائم (اراده ثابت و محکم) دارد، اگر مسلمان ضعیف ایمان است، احتیاج به آسانی دارد، اگر گناهکار باشد ضرورت به توبه دارد. نباید بالای ضعیف الایمان و گناهکار تشدد کرد و بالای آنانکه جدید به اسلام داخل شده اند باید آسان گرفت.

بعض مردم می آیند که مسلمان شوند، سؤال میکنند که بعد از آوردن ایمان چه باید انجام داد؟ گفته میشود صبح دو رکعت فرض و دو رکعت سنت، ظهر چهار رکعت سنت قبل از ظهر و چهار رکعت سنت بعد از فرض. بهتر است گفته شود دو رکعت صبح و چهار رکعت ظهر و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت خوفتن و از سنتها بگذاریم.

به معنی دیگر برای آنانکه به اسلام داخل میشوند، بسیار سختگیری نباشیم تا ایمان به قلب های شان بصورت کل داخل شود. مشکل ساختن دین برای مسلمانان جدید، آنها را از اسلام دور می سازد. انجام فرائض در اسلام مهم است و آنانکه تازه به اسلام داخل میشوند ایشان را تنها به فرائض دعوت نمود نه به نوافل، محرّمات قطعی برای شان نشان داده شود نه مشتبهات.

بعد از این که شخص به اسلام آشنائی کامل یافت و فرائض را اداء نمود، غیر فرائض را به او نشان داد و

مطالعات شرق شناسی /

هدف از حرکت تبشیر و استشراق در آغاز مرحله دعوت مسلمانان به دیانت عیسوی نبود بلکه هدف ایجاد فاصله بین مسلمانان و دین و روش فکر اسلام بود. این هدف را آقای زویمر در کنفرانس تبشیری سال 1928 توضیح میدهد و می گوید: هدف و وظیفه تبشیر که کشورهای مسیحی در جهان محمدی یعنی جهان اسلام روی دست دارند ، مسیحی ساختن مسلمانان نیست، به دلیل اینکه عیسوی شدن مسلمانان معنی آن تکریم و هدایت شان است. هدف از تبشیر جدا نمودن مسلمانان از اسلام است تا از جمله مردمانی شوند که رابطه با خداوند نداشته باشند و رابطه شان با اخلاق قطع گردد زیرا ملت ها در زندگی خود احتیاج به اخلاق دارند» (صابر طعمیه «أخطار الغزو الفکری علی العالم الإسلامی» ص 177). همچنان دکتور علی عبدالحلیم «الغزو الفکری و أثره فی المجتمع الإسلامی المعاصرة» دار المنار الحدیثه 1989 ، صفحات 161-164).

بین مؤسسات استشراق و مستشرقین از نظر ایدئولوژی سیاسی و فکری تفاوت است و مستشرقین از کشورهای مختلف با اهداف سیاسی و فکری متفاوت میباشند مانند استشراق روسی و استشراق کشورهای غرب عیسوی و استشراق صهیونی . استشراق روسی تمام ادیان و عقائد دینی را نفی و ادیان را افیون ملتها می داند در صورتیکه مستشرقین غرب عیسوی دین اسلام را نفی لیکن به دین مسیحیت احترام فوق العاده قائل اند. (بندلی جوزی «من تاریخ الحركات الفکرية فی الاسلام» القدس ، منشورات صلاح الدین ، ص 91 و همچنان دکتور نبیل علقم «الثقافة العربیة و التجدید الإسلامی» صفحات 213-214).

مستشرقین یهود می خواهند دین یهودیت را نسبت به اسلام بالاتر نشان دهند لذا کوشش دارند تا یهودیت را مصدر اول اسلام معرفی نمایند. جاگزین شدن فلسفه

مادی در دین عیسویت ، البته در غرب ، فرصت خوب برای مستشرقین یهود بود آنان از این خلاء دینی غرب استفاده نمودند و دین یهودیت را از نظر درجه دینی در مقام بالاتر قرار دادند و به اثبات رسانیدند که مدنیت فرهنگ و طرز فکر یهودیت نسبت به عیسویت و اسلام بالاتر است . (فاطمه نجا « نور الاسلام» ، ص 51).

در بعد سیاسی مستشرقین یهود و مؤسسات شرق شناسی یهودیت موفق گردیدند تا در تمام مؤسسات بین المللی شرق شناسی و جامعه مستشرقین حضور داشته باشند تا استشراق غربی را به نفع فکر یهودیت از نظر اجتماعی و سیاسی تغیر دهند . همچنان مستشرقین یهود موفق شدند تا فرهنگ و فکر معاصر اسلامی را بی نظم و دچار مشکلات سازند . مستشرق بزرگ یهودی آقای جابو تنسکی که از جمله مهندسین سیاست خارجی اسرائیل میباشد باین عقیده است که اسلام حتما ضعیف می شود و مدنیت اسلامی مدنیت عربی و اسلامی خالص نیست و مدنیت اسلامی راسرینانی های سوریه و یهودان و فارسی ها ساخته اند او اضافه میکند که در جهان عرب و خصوصاً در فلسطین تورات اصل فرهنگ و مدنیت میباشد. (منعم حداد «الاستشراق و الصهیونیة و التراث الشعبی» ص 100). مبشرین یعنی دعوت کنندگان به مسیحیت و مستشرقین میدانند که علت قوت مسلمانان ، اسلام است و تا زمانی که مسلمانان ارتباط به اسلام داشته باشند قوی و عظیم می باشند لهذا حرکت تبشیر و استشراق اولین برنامه را که برای تضعیف مسلمانان روی دست گرفتند مشکوک ساختن مسلمانان به قرآن کریم و شخصیت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و صحابه و باطل نشان دادن احادیث و سنت بود . (دکتور ادوارد سعید «الاستشراق» ترجمه ، کمال

مطالعات شرق شناسی /

أبو ديب ، طبع دوم - بيروت : مؤسسة الأبحاث العربية ، 1984 م ، ص 275).

اسباب و عوامل استشراق

اول: فکر و فلسفه دینی. جنگهای صلیبی در نفس ها و شعور اروپایان اثرات بسیار منفی و حس انتقام جوئی را از اسلام و مسلمانان بجا گذاشت و جامعه غرب تا امروز نتوانست از تأثیرات منفی عصر صلیبی بیرون شود. بعد از حرکت اصلاح دینی در اروپا، کاتولیک و پروتستان متوجه نشر عقائد و فکر دینی در جهان خصوصا جهان اسلام شدند و برای تحقق بخشیدن این منظور هدف، غربی ها خصوصا رجال دین و کلیسا توجه به آموختن و تعلیم زبان عربی و عبری و زبانهای افریقائی و شرقی نمودند. در این عصر حرکت ترجمه کتب در غرب آغاز شد و کتب دینی و فکر غرب خصوصا فکر اصلاح دینی به زبانهای عربی و عبری و افریقائی و زبانهای آسیوی ترجمه و طبع و در جهان اسلام و قاره افریقا توزیع گردید. مسلمانان به فکر اصلاح دینی که اساسا فکر غربی و برای اصلاح دین عیسویت بود توجه زیاد نمودند و اکثرا نظریات اصلاح دینی را قبول و خواستند تا این تجربه را در شرق اسلامی تطبیق عملی نمایند و دین اسلام را مانند دین عیسویت اصلاح و تجدید نمایند و به عبارت دیگر روش اصلاح دینی که در غرب عملی و اجراء شد خواستند همان روش را در اسلام نیز تطبیق نمایند.

دوم: اسباب اقتصادی، سیاسی.

سوم (نشر فلسفه دیموکراسی غرب و تقسیم امت اسلامی به اقوام و مذاهب و نژاد به هدف ضعیف ساختن قوت مسلمانان و اشغال جهان اسلام . مستشرقین بعد از مطالعات باین نتیجه رسیدند که وحدت مسلمانان در وحدت دین است و جهت ضعیف نمودن مسلمانان باید قومیت و نژاد و مذهب را از اسلام جدا ساخت و برای

تحقق بخشیدن این هدف سیاستمداران و سرمایه داران غرب فکر و حرکت استشراق را وسیله فعال برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی و دینی دانسته حرکت استشراق را تقویت سیاسی و مادی نمودند. فعالیتهای مستشرقین در این راستا اثرات منفی را در شعور، وجدان و فکر مسلمانان بجا گذاشت و شرقی ها احساس به نقص و کمبودی نسبت به غرب نمودند و برای رسیدن به نهضت علمی و تکنالوژی غرب حاضر شدند نظریات استعماری و فکری و حتی دینی غرب را مطالعه و نظریات و فلسفه های دیموکراسی و حقوق انسان غرب را تا حدی در جامعه ای شرق اسلامی تطبیق نمایند و این بزرگترین موفقیت بود که مستشرقین و مؤسسات استشراق در ساحه اسلامی بدست آوردند. (الدكتور محمد البهی « الفكر اسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی » ص 431 و نجیب العفیفی « المستشرقون » و مجله « Al - Islam » عدد 15 ، فبروی 1958).

نخبگان عرب و مسلمین توجه جدی و عمیق به استشراق نمودند و آنچه مستشرقین نسبت به اسلام و عرب به رشنه تحریر آوردند بدون دقت به زبان عربی و فارسی و اردو ترجمه نمودند. مستشرقین قدیم کوشش نمودند تا شکل و مضمون اسلام و صورت مسلمانان را به جامعه غرب بصورت وحشیانه معرفی نمایند. مخاطب یا طرف خطاب مستشرقین در گذشته جامعه تعلیم یافته و نخبگان مسلمان و غرب بود و اما مستشرقین معاصر سیاستمداران را هدف قرار دادند و خواستند تا سیاستمداران زبان حال و سخنگوی مستشرقین در جهان غرب و شرق باشند.

نظریات و تحقیقات مستشرقین اکثرا مورد استفاده پژوهشگران قرار می گیرد و محققین جوان

مطالعات شرق شناسی /

مسلمان که در مراحل ماستری و دکتورا در پوهنتونهای جهان اسلام کار میکنند نظریات مستشرقین و مؤسسات استشراق را منابع علمی و مصادر موثق می‌شمارند. نظریات و بحث‌های مستشرقین و مؤسسات استشراق، محققین جوان کشورهای اسلامی را مشغول مطالعه و بحث روی رابطه بین فکر اسلامی و فکر غربی و مسلمانان و غیر مسلمانان ساخت به عبارت دیگر متفکرین جوان خواسته و یا ناخواسته تحت نفوذ و تأثیر مطالعات و نظریات مؤسسات استشراق قرار گرفتند.

فقه سیاسی

فقه سیاسی اسلام عنوان است که برکلیه مباحث مثل امر به معروف و نهی از منکر، خراج، احکام سلطانی، اقتصاد، روابط بین افراد و رابطه بین جامعه اسلامی و غیر اسلامی را به بحث می‌گیرد. برخی از این بحث مستقیم و یا غیر مستقیم به سیاست ارتباط می‌گیرد. چون اهل سنت در مسائل سیاسی و نظام حکم بیشتر حصه داشتند به این سبب احکام سلطانی در فقه اهل تسنن دایره آن وسیعتر و گسترده تر نسبت به فقه سیاسی شیعه میباشد.

فقه سیاسی اسلام عبارت از مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است که عهده دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و ملل غیر مسلمان بر اساس قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی و عدالت را تضمین می‌کند.

به همان اندازه و مقدار که مسائل در جهان در حالت تغییر و تفاوت است، فقه سیاسی نیز دایره آن بزرگتر گردیده و امروز به تعریف جدید از فقه سیاسی نیاز داریم تا به مسائل جدید سیاسی پاسخ دهد، در فقه سیاسی لازم

است تا مسائل و موضوعات جدید معاصر زمان را در نظر داشته باشیم و برای هر جدید در فقه سیاسی پاسخ داشته باشیم. اجتهاد در ساحة عبادات و معاملات و اموری جدید در جامعه نقش مهم را دارد، لذا اجتهاد در مسائل سیاسی اهمیت بیشتر را میداشته باشد.

سید صادق حقیقت، فقه سیاسی و دموکراسی / Pdf .
فقه سیاسی و دموکراسی.

فقه سیاسی را می‌توان این گونه تعریف کرد:

فقه سیاسی عبارت از مجموعه قواعد و اصول فقهی است که روابط بین مسلمانان و غیر مسلمانان را به عدالت تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر «فقه سیاسی عبارت از پاسخ به مسائل حقوق سیاسی و مفاهیم سیاسی و حقوق بین الملل میباشد. از آنجا که بعضی از مسائل سیاسی بر اثر مرور زمان و تحولات جامعه نو ظهور هستند لذا فقه سیاسی اسلام برای حل این مسائل نیز راهکاری دارد که همان بیان قواعد کلی است که فقیه بتواند بوسیله این قواعد کلی حکم مسائل جدید (مسائل مستحدثه) را بیابد.

فقه سیاسی چیست و به چه نوع احکامی گفته میشود و تاریخ (www.pasokh.org)

فقه سیاسی عبارت است از: تمام پاسخ‌هایی که فقه به سوال‌های سیاسی عصر و زمان می‌دهد، مثلاً دیدگاه فقه در خصوص انتخابات، تفکیک قوا، مشروعیت و جایگاه دستگاه اجرایی و ... همه در محدوده فقه سیاسی است. حال اگر فقه سیاسی را به معنای دوم در نظر بگیریم، شامل نظام سیاسی؛ فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی می‌شود، یعنی همه این مفاهیم در تعریف فقه سیاسی گنجانده شده است.

فقه سیاسی /

فقه سیاسی را به معنای کلیه مباحث سیاسی فقه یا تمامی پاسخ‌هایی که فقه به سوال‌های سیاسی عصر و زمان می‌دهد تعریف کرده‌اند.

اصطلاح « فقه سیاسی » به عنوان واژه ای نوپدید در عرصه فقه ، مشتمل بر مجموعه ای از مباحث فقهی است که با رفتار سیاسی و دانش سیاست مرتبط بوده و تکالیف شرعی زندگی سیاسی مؤمنان بلکه شهروندان را تعیین کرده و آیین اداره مطلوب را بر اساس منابع و ادله معتبر شرعی ، تبیین و توصیه می‌کند. فقه سیاسی مرادف واژه‌هایی چون (فقه الدوله الاسلامیه) ؛ (فقه السیاسه) یا (الاحکام السطانیه) قرار گرفته و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نظام سیاسی در اسلام همراه با شریعت اسلامی همراه می‌باشد ، نظام سیاسی در اسلام اهتمام به تنظیم و تدبیر آنچه رعیت به آن از تمام جوانب احتیاج دارد چه زندگی اعتقادی و عبادات و اخلاق و روابط بین‌المللی ، نظام خانواده ، افراد ، مؤسسات و انجمن‌ها ، و در نواحی اجتماعی و اقتصادی و قضائی و تعلیم و تربیه و روابط بین‌المللی و نظامی و آنچه در دایره فعالیت‌های انسانی در حرکت است و جامعه به آن ضرورت دارد.

الدكتور نعمان السامرائی ، النظام السياسي فی الإسلام ، صفحه 31

الدكتور عبدالعزيز الخياط ، النظام السياسي فی الإسلام ؛ نظريه الحكم /

رول اسلام در سياست (رابطه بين دين و دولت و سياست) .

بعد از انقلاب مردم عليه نظامهای استبدادی در جهان اسلام ، و رسیدن حرکت‌های اسلامی به حکومت و پارلمان برای اولین بار ، تعریف معاصر و جدید از سیاست در اسلام و رول اسلام در سیاست روی کار آمد . تعاریفات جدید در بسا موارد نسبت به تعاریفات و مفاهیم گذشته متفاوت است . سیاستمداران افغانستان و خصوصاً حرکت‌های اسلامی (خصوصاً

حرکت طالبان) باید این تفاوتها را بدانند و نظریات جدید را در فعالیتهای سیاسی مورد نظر داشته باشند ، در غیر آن به شکست سیاسی و خروج از جامعه اسلامی و تهدید جامعه ای بین‌المللی مواجه میشوند .

حرکت نهضت اسلامی تونس در کنفرانس اجتماع اخیر خود اعلان نمود که مردم را دعوت می‌کنیم تا برای برنامه‌های ما رأی دهند نه به اساس ارتباط دینی ما ، ما برای مردم می‌گوییم که برنامه‌های ما دین نیست ، و آنانکه با ما مخالفت می‌کنند ، معنی آن این نیست که مخالفت با دین دارند ، می‌گوییم که برنامه‌های ما تعامل با مشکلات جامعه است ، اما مرجعیت ما برای خود ما و برای کسانی است که متابعت از ما می‌کنند.

ایمن الصیاد رئیس تحریر مجله (وجهات نظر) و مشاور سابق رئیس محمد مرسی می‌گوید: از حق احزاب دارای مرجعیت اسلامی است تا در عمل سیاسی اشتراک داشته باشند و اما بشروط ، از بین این شروط احترام قانون دولت ، احترام حقوق شهروندی برای همه شهروندان جامعه ، احتیاط از دیکتاتوری اغلیت ، دیکتاتور اغلیت بدترین انواع دیکتاتوری است ، دیموکراسی تنها نتیجه صندوق انتخابات نیست بل دیموکراسی در معنا و مفهوم جوهری اش قبول طرف دیگر و قبول حقوق دیگران با انیکه اقلیت نیز باشند میباشد.

الصیاد اضافه میکند: از حق هر صاحب فکر و رأی است که به افکار و رأی خود دعوت کند ، و اسلامی‌ها نیز این حق را دارند ، اما از حق هیچ طرف نیست که فیصله‌های خود را بالای دیگران بقبولاند ، به

فقه سیاسی /

تحقیق جدید

«شریعت اسلامی و قابلیت تطبیق در عصر حاضر»

تألیف: فضل غنی مجددی

شریعت الهی معصوم، و اما تطبیق آن انسانی و غیر معصوم میباشد و ممکن انسان در تطبیق آن در صواب و یا خطاً باشد.

شریعت اسلامی زمانی قابلیت تطبیق را میداشته باشد که نظام کامل اسلامی، آزادی های سیاسی و دینی و اقتصادی و امنیت جانی و مالی و غذائی آماده شود.

علامه مرحوم دکتور یوسف القرضاوی میگوید: دیموکراسی و آزادی قبل از تطبیق شریعت میباشد و اگر آزادی نباشد شریعت وسیله برای استبداد و دیکتاتوری میباشد.

در این تحقیق شریعت تعریف، و اهداف آن که عبارت از مصلحت دنیوی و آخروی انسان است برآزنده میشود. تجربه های تطبیق شریعت اسلامی در یک قرن اخیر و اسباب ناکامی و عوامل کامیابی آن. تدرج در تطبیق و قبول مردم شریعت را قبل از تطبیق آن. مقاصد شریعت. نقش انسان در تدوین قوانین شرعی و موقف شریعت از حقوق انسان و حقوق زنان به تفصیل شرح شده است.

مطالعه تحقیق برای همه هموطنان خصوصاً مجریان قانون و انصار شریعت ضروری میباشد. هموطنان گرامی تحقیق را از آدرس فقه اسلامی بدست آورده میتوانند.

قیمت کتاب: 20 دالر و 5 دالر قیمت پست داخل امریکا.

Fazl Ghni Mogaddedi
201 Washington Blvd # 104
Fremont, ca 94539
U.S.A

Tel (510) 979-9489

510-673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

islaminfo,one

دلیل اینکه مردم صاحب حق در اختیار و انتخاب اند. دکتوره بثینه القروری عضو حزب عدالت و تنمیه و عضو پارلمان مراکش می گوید: دور احزاب سیاسی، پیش کردن سیاست های است که به نفع مردم باشد؛ دور و نقش احزاب فرض مبادئ معین بالای جامعه نیست.

دکتوره بثینه القروری، می گوید اسباب اختلاف تجربه حزب العداله و التنمیه مراکش با تجربه های احزاب اسلامی دیگر در شرق عربی به چند دلیل متفاوت است. اول: فقه اسلامی در مراکش تقدم و

پیشرفت بیشتر نسبت به مشرق کرده است، و فقه النوازل و فقه المقاصد که توجه بیشتر به اهداف بزرگ شریعت اسلامی دارد در مراکش بیشتر مورد توجه و دقت میباشد.

دوم: نظام شاهی مراکش شرعیت دینی دارد بر خلاف نظامهای سیاسی دیگر. سوم: حزب خود را ادامه حرکت وطنی میداند. ما خود را حزب وطنی با مرجعیت اسلامی می دانیم. حزب برای اسلام ساختن جامعه و هدایت مردم نیست بلکه سهم فعال برای دیموکراسی در مغرب دارد.

دکتوره منی فیاض استاد علم نفس در پوهنتون لبنان می گوید:

تجربه ها به اثبات رسانیده که دولت دینی موفق نبود، لذا من با دولت بیطرف در مقابل ادیان هستم، من با حریت اعتقاد برای مؤمن و غیر مؤمن میباشم و ضد مداخله مؤسسات دینی در امور سلطه هستم، اما من با دین بحیث فاعل اجتماعی هستم.

اسلام سیاسی، 2019/8/3 / www.marefa.org

ثقافة التلیس (مصطلح: الإسلام السياسي)

www.saaid.net/ 8/3/2019

الدکتور فؤاد عبدالمنعم أحمد (السياسة الشرعية و علاقتها بالتنمیه

الاقتصادیه و تطبیقاتها المعاصره، الطبعة الاول 2001/1421

Sortor.com تعریف السياسة فی الإسلام - سطور